

مهدی صفری^۱

آسیای مرکزی، قفقاز و منطقه عمومی دریای خزر برای جمهوری اسلامی ایران اهمیت و جایگاه ویژه‌ای دارد. ایران قدیمی‌ترین تمدن و دولت حاشیه این منطقه را شکل داده و سابقه حضور تاریخی بیشتری نسبت به بقیه دارد. ایران همواره یکی از طرفهای اصلی قراردادهای منعقد شده در این منطقه بزرگ محسوب شده است. امروزه نیز ایران (پس از روسیه) پرجمعیت‌ترین کشور، بزرگترین کشور به لحاظ منابع انرژی و بیشترین بازار مصرف را در کل منطقه دارد. ایران با تمامی کشورهای منطقه با هفت استان و صرفاً با کشورهای حاشیه خزر در چهار استان بزرگ همجواری دارد. مسایل اقتصادی منطقه بویژه در زمینه‌های انرژی، حمل و نقل اعم از کشتیرانی، جاده‌ای، ریلی و هوایی، تجارت و شیلات برای ایران جایگاه مخصوصی دارد. تقسیم صلح و ثبات و امنیت و پایان یافتن مناقشات موجود در کل منطقه نیز از سوی دیگر باعث می‌شوند که ایران مسایل این حوزه را با دقت پیگیری و فعالانه ایفای نقش نماید. مسایل محیط زیست خصوصاً در خزر نیز برای ایران واجد نهایت اولویت است. از سوی دیگر همه ساله مراکز زیارتی ایران بیشترین زوار و سواحل شمالی ایران بیشترین تعداد گردشگران را به خود اختصاص می‌دهد و ایران واجد مراکز گردشگری بی‌شماری در نوار شمالی خود می‌باشد.

سیاست‌های اصولی جمهوری اسلامی ایران

سیاست جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی، قفقاز و دریای خزر بر همکاری‌های همه‌جانبه، اعتمادسازی، صلح پایدار، بهره‌برداری عادلانه از منابع طبیعی و تبدیل این منطقه به منطقه‌ای با صلح و آرامش استوار است و اعتقاد دارد که مردم این کشورها باید به اقتصادی شکوفا، رشد و توسعه و رفاه همه‌جانبه نایل شوند و این امر میسر نمی‌شود، مگر با افزایش همکاری‌های منطقه‌ای و ارتقای فضای اعتماد و تضمین صلح و امنیت پایدار. بی‌شک پی‌ریزی بسترهای حقوقی لازم از طریق انعقاد قراردادهای لازم با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز و تدوین یک رژیم حقوقی جامع با کشورهای حاشیه دریای خزر که متضمن منافع جمعی و مبتنی بر اتفاق آراء باشد به

۱. دکتر مهدی صفری، نماینده ویژه جمهوری اسلامی ایران در امور دریای خزر است.

تحقق این وضعیت کمک خواهد کرد. به هر حال انعطاف‌پذیری کشورها، در نظر گرفتن منافع همه، اجتناب از یکجانبه‌گرایی و ممانعت از دخالت قدرتهای فرامنطقه‌ای را کلید اصلی نیل به این اهداف تلقی می‌کنیم.

تجربه نشان داده است که نگرش‌های مقطعی و تک‌بُعدی سیاسی، اقتصادی، حقوقی یا امنیتی و نظامی به مسایل منطقه راهگشا نبوده و حل و فصل مسایل آن مستلزم رویکرد و توجه جدی‌تر به تمامی مسایل در آن واحد می‌باشد و غفلت از یک جنبه، لطمات جدی به منافع جمعی خواهد زد. لذا ضرورت دارد کشورها تمامی مسایل مرتبط از جمله: منابع هیدروکربور و انرژی اعم از نفت و گاز و برق، تجارت و بازرگانی، حمل و نقل، امور امنیتی - نظامی، محیط زیست، شیلات، رژیم حقوقی و دیگر موارد را مورد بررسی قرار داده و زمینه‌های همکاری و تفاهم را عملی نمایند.

متأسفانه برخی از بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، منطقه عمومی دریای خزر را مترادف با منابع انرژی و نفت و گاز تعریف می‌کنند و از زوایای دیگر، خصوصاً صلح و ثبات پایدار، محیط زیست، شیلات و منابع زنده دریایی غافل هستند. بر همین اساس برای تقسیم منابع انرژی بستر و زیر بستر دریای خزر و همچنین انتقال انرژی، به شیوه‌هایی روی آورده‌اند که مغایر با منافع جامع، بلندمدت و مصالح جمعی می‌باشد. به اعتقاد ما الگوهای تقسیم در خزر باید مصالح همه کشورهای ساحلی را برآورده سازد و برای همه طرف‌ها، قابلیت دفاع در سطوح ملی را نیز دارا باشد. ضمناً این تقسیم باید با شیوه‌های رایج در دنیا و مبانی حقوق بین‌الملل و آراء و رویه‌های قضایی بین‌المللی و اصل انصاف، همخوانی داشته باشد.

ما اعتقاد داریم موضوع انرژی و نفت و گاز بیش از آنکه برای دیگر کشورها مهم باشد، برای خود کشورهای منطقه و بویژه کشورهای تازه استقلال یافته همجوار خزر اهمیت دارد. میزان تولید و صدور نفت منطقه، حتی در اوج تولید، جایگاه و قدرت تأثیرگذاری خاصی در بازار جهانی انرژی دارد. در حالی که امروزه تأثیر نفت در حیات اقتصادی و سیاسی برخی کشورهای ساحلی خزر بسیار چشمگیر است. نقش و سهم نفت و گاز خزر در میزان درآمدها، اشتغال، تولید ناخالص داخلی (GDP)، جلب سرمایه‌گذاری خارجی و تأثیر آن بر روابط خارجی و مسایل اجتماعی و اقتصادی داخلی جمهوری آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان در مقایسه با دو کشور دیگر

ساحلی یعنی ایران و روسیه بسیار بارزتر است.

ایران در زمینه انتقال انرژی، در دو زمینه سوآپ و خط لوله «کی.ت.آی» فعالیت می کند: اقدام اول ایران در زمینه سوآپ می باشد که در ۳ فاز طراحی شده تا بتواند نفت کشورهای همجوار را از طریق نفتکش به سواحل ایران در بندر تجهیز شده نکا منتقل و پس از عبور از خط لوله نکا - ری در پالایشگاههای شمال کشور (فعلاً تهران و تبریز) تصفیه نماید و از سوی دیگر در جنوب کشور معادل توافق شده نفت دریافتی در شمال را تحویل دهد. در سال گذشته سوآپ از ایران را از روزی ۱۰ هزار بشکه در روز به ۱۲۰ هزار بشکه و سپس ۱۴۰ هزار بشکه در روز افزایش داده ایم. ظرفیت بعدی در فاز دوم ۳۷۰ هزار بشکه و ظرفیت نهایی این شیوه انتقال در فاز سوم ۵۰۰ هزار بشکه در روز می باشد که با اندکی تغییرات در پمپاژ بزودی قابل حصول خواهد بود. مجموعاً در سال گذشته متجاوز از ۵ میلیون تن نفت از طریق ایران منتقل شده است. با توجه به اینکه هزینه های انتقال از ایران به این شیوه حدود ۱۴ دلار (و در کل و با احتساب بازاریابی ۱۸/۲۵ دلار) می باشد در حالی که هزینه انتقال از روسیه به ازای هر تن حداقل ۲۸ دلار است و بعضاً با احتساب دیگر هزینه ها به ۳۵ دلار هم بالغ می گردد. لذا بسیاری از کشورها علاقمند هستند تا انتقال نفت آنها از طریق ایران انجام شود. مثلاً تاکنون قزاقها ۲/۵ میلیون تن نفت را از طریق ایران منتقل نموده اند. دومین اقدام ایران در زمینه انتقال نفت دریای خزر احداث خط لوله «K.T.I» است که مراحل مطالعات مقدماتی را سپری می کند و قرار است در صورت نهایی شدن، نفت قزاقستان و ترکمنستان را از طریق ایران به بازارهای جهانی منتقل کند. گفتنی است، مسیر ایران (علاوه بر ارزانی، امنیت و کوتاه بودن) نسبت به دیگر مسیرهای موجود یا در حال ساخت یا مطالعه رجحان بسیار مهم دیگری دارد و آن اینکه مناطق شمالی ایران، بازار پرمصرف و مطمئنی برای نفت حوزه دریای خزر محسوب می شود و صرفاً مسیر انتقال و ترانزیت تلقی نمی گردد. ایران در زمینه گاز نیز با کشورهای منطقه همکاری دارد. ایران با انعقاد قراردادها با جمهوری آذربایجان و ارمنستان، نیازهای نخجوان و ارمنستان را به این انرژی پاک تأمین خواهد کرد. همچنین طرح انتقال گاز به اروپا از طریق ارمنستان، گرجستان، اوکراین را در دست مطالعه و پیگیری دارد. ایران همچنین ۱۰ درصد از سهام حوزه گازی شاه دنیز جمهوری آذربایجان را به خود اختصاص داده است.

آسیای مرکزی و قفقاز و منطقه عمومی دریای خزر برای جمهوری اسلامی ایران اهمیت و جایگاه ویژه‌ای دارد. ایران قدیمی‌ترین تمدن و دولت حاشیه این منطقه را شکل داده و سابقه حضور تاریخی بیشتری نسبت به بقیه دارد. در طول تاریخ، ایران همواره یکی از طرفهای اصلی قراردادهای منعقد در این منطقه بزرگ محسوب شده است. امروزه نیز ایران (پس از روسیه) پرجمعیت‌ترین کشور، بزرگترین کشور به لحاظ منابع انرژی و بیشترین بازار مصرف را در کل منطقه دارد. ایران با تمامی کشورهای منطقه در هفت استان و صرفاً با کشورهای حاشیه خزر در قالب چهار استان بزرگ همجواری دارد. مسایل اقتصادی منطقه بویژه در زمینه‌های انرژی، حمل و نقل اعم از: کشتیرانی، جاده‌ای، ریلی و هوایی، تجارت، شیلات برای ایران جایگاه مخصوصی دارد. تضمین صلح و ثبات و پایان یافتن مناقشات موجود در کل منطقه نیز از سوی دیگر باعث می‌شوند که ایران مسایل این حوزه را با دقت پیگیری و فعالانه ایفای نقش نماید. مسایل محیط زیست خصوصاً در خزر نیز برای ایران واجد نهایت اولویت است. همچنین همه ساله مراکز زیارتی ایران بیشترین زوار و سواحل شمالی ایران بیشترین تعداد گردشگران را بخود اختصاص می‌دهد و واجد مراکز گردشگری و تفریحی بی‌شماری در باریکه شمالی می‌باشد.

مسایل انرژی در منطقه

به‌رغم ملاحظه فوق، متأسفانه برخی از بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، منطقه عمومی دریای خزر را مترادف با منابع انرژی و نفت و گاز تعریف می‌کنند و از زوایای دیگر، خصوصاً صلح و ثبات پایدار، محیط‌زیست، شیلات و منابع زنده دریایی غافل هستند. بر همین اساس برای تقسیم منابع انرژی بستر و زیربستر دریای خزر و همچنین انتقال انرژی، به شیوه‌هایی روی آورده‌اند که مغایر با منافع جامع، بلندمدت و مصالح جمعی می‌باشد. به اعتقاد ما الگوهای تقسیم در خزر باید مصالح همه کشورهای ساحلی را برآورده سازد و برای همه طرفها، قابلیت دفاع در سطوح ملی را نیز دارا باشد. از سوی دیگر این تقسیم باید با شیوه‌های رایج در دنیا و مبانی حقوق بین‌الملل و آراء و رویه‌های قضایی بین‌المللی و اصل انصاف، همخوانی داشته باشد. با عنایت به ملاحظه فوق، ما اعتقاد داریم موضوع انرژی و نفت و گاز بیش از آنکه برای دیگر کشورها مهم باشد، برای خود کشورهای منطقه و بویژه کشورهای تازه استقلال یافته

همجوار خزر اهمیت دارد. میزان تولید و صدور نفت منطقه، حتی در اوج تولید، جایگاه و قدرت تأثیرگذاری خاصی در بازار جهانی انرژی دارد. در حالی که امروزه تأثیر نفت در حیات اقتصادی و سیاسی برخی کشورهای ساحلی خزر بسیار چشمگیر است. نقش و سهم نفت و گاز خزر در میزان درآمدها، اشتغال، تولید ناخالص داخلی (GDP)، جلب سرمایه‌گذاری خارجی و تأثیر آن بر روابط خارجی و مسایل اجتماعی و اقتصادی داخلی جمهوری آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان در مقایسه با دو کشور دیگر ساحلی یعنی ایران و روسیه بارزتر است.

موقعیت بی‌بدیل ایران

قرار گرفتن جمهوری اسلامی ایران بین دو حوزه بسیار مهم دریای خزر و خلیج فارس، امنیت ژئوپلیتیکی، استراتژیکی و ژئواکونومیکی خاصی به ایران بخشیده است. این نقش در زمینه‌های سیاسی به لحاظ تضمین صلح و ثبات و حل و فصل مناقشات اهمیت انکارناپذیری دارد. این موقعیت به لحاظ جغرافیایی چنان جایگاهی به ایران بخشیده است که در حمل و نقل و تبادل کالا و خدمات اعم از جاده‌ای، ریلی، دریایی و حتی هوایی بین دو حوزه شمال و جنوب و حتی شرق و غرب و همچنین انتقال انرژی، نقش بی‌بدیل و غیرقابل‌هماوردی داشته باشد.

انتقال نفت و گاز و خطوط لوله

جمهوری اسلامی ایران ضمن احترام به حق حاکمیت و استقلال کلیه کشورهای واجد منابع انرژی منطقه، در انتخاب مسیرهای انتقال انرژی و اعتقاد به تنوع خطوط لوله، بر این باور است این طرحها باید با ظرفیتهای واقعیتهای منطقه انطباق داشته و براساس منطق اقتصادی صورت گیرد. تحمیل هرگونه خواست سیاسی در طرحهای اقتصادی منطقه را با مشکل مواجه خواهد ساخت. جمهوری اسلامی ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی منحصر به فرد و داشتن زیرساختهای مناسب و تجربه بلندمدت در امور نفت و گاز کوتاهترین، امن‌ترین و ارزانترین مسیر انتقال انرژی دریای خزر محسوب می‌شود و آمادگی دارد امکانات خود را در اختیار کشورها و شرکتهای علاقمند قرار دهد.

ایران در زمینه انتقال انرژی: در دو زمینه سوآپ و خط لوله «کی. تی. آی» فعالیت می‌کند:

۱. سوآپ

اقدام اول ایران در زمینه سوآپ نفت می باشد که در ۳ فاز طراحی شده است تا بتواند نفت کشورهای همجوار را از طریق نفتکش به سواحل ایران در بندر تجهیز شده نکا منتقل نموده و پس از عبور از خط لوله نکا-ری در پالایشگاههای شمال کشور (فعلاً تهران و تبریز) تصفیه نماید و از سوی دیگر در جنوب کشور معادل توافق شده نفت دریافتی در شمال را تحویل دهد. در سال گذشته سوآپ از ایران را از روزی ۱۰ هزار بشکه در روز به ۱۲۰ هزار بشکه و سپس ۱۴۰ هزار بشکه در روز افزایش داده ایم. ظرفیت بعدی در فاز دوم ۳۷۰ هزار بشکه و ظرفیت نهایی این شیوه انتقال در فاز سوم ۵۰۰ هزار بشکه در روز می باشد که با اندکی تغییرات در پمپاژ بزودی قابل حصول خواهد بود. مجموعاً در سال گذشته متجاوز از ۵ میلیون تن نفت از طریق ایران منتقل شده است. با توجه به اینکه هزینه های انتقال از ایران به این شیوه حدود ۱۴ دلار (و در کل و با احتساب بازاریابی ۱۸/۲۵ دلار) می باشد در حالی که هزینه انتقال از روسیه به ازای هر تن حداقل ۲۸ دلار است و بعضاً با احتساب دیگر هزینه ها به ۳۵ دلار هم بالغ می گردد. لذا بسیاری از کشورها علاقمند هستند تا انتقال نفت آنها از طریق ایران انجام شود. مثلاً تاکنون قزاقها ۲/۵ میلیون تن نفت را از طریق ایران منتقل نموده اند.

۲. خط لوله در دست مطالعه K.T.I

دومین اقدام ایران در زمینه انتقال نفت دریای خزر، احداث خط لوله «K.T.I» است که مراحل مطالعات مقدماتی را طی می کند و پس از نهایی شدن، نفت قزاقستان و ترکمنستان را از طریق ایران به بازارهای جهانی منتقل خواهد کرد. شایان توجه اینکه مسیر ایران (علاوه بر ارزانی، امنیت و کوتاه بودن) نسبت به دیگر مسیرهای موجود یا در حال ساخت یا مطالعه رجحان بسیار مهم دیگری دارد و آن اینکه مناطق شمالی ایران، بازار پُرمصرف و مطمئنی برای نفت حوزه دریای خزر محسوب می شود و صرفاً مسیر انتقال و ترانزیت تلقی نمی گردد.

همکاری در زمینه گاز

ایران در زمینه گاز نیز همکاری های تنگاتنگی با کشورهای منطقه دارد. از یکسو با انعقاد

قراردادهای لازم با جمهوری آذربایجان و ارمنستان، نیازهای نخجوان و ارمنستان را به این انرژی پاک تأمین خواهد کرد. از سوی دیگر طرحهای انتقال گاز به اروپا از طریق ارمنستان - گرجستان - اوکراین - اروپا را در دست مطالعه و پیگیری دارد. ایران همچنین ۱۰ درصد از سهام حوزه گازی شاه دنیز جمهوری آذربایجان را به خود اختصاص داده است. در شرق دریای خزر نیز ایران همکاری‌های گازی گسترده‌ای با ترکمنستان آغاز کرده است. واردات گاز ایران از ترکمنستان از طریق خط لوله کرپچه - کردکوی از سال ۷۳ شروع گردیده است. طی این سالها گاز دریافتی، از ۲ میلیارد متر مکعب در سال ۱۹۹۷ شروع و به ۶/۵ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۰۳ رسید و انتظار می‌رود در سال ۲۰۰۴ به ۷ میلیارد و در سال ۲۰۰۶ میلادی به ۸ میلیارد متر مکعب برسد.

ایران و ترکمنستان در زمینه گاز مایع نیز بر اساس منافع متقابل، همکاری‌های خوبی را آغاز کرده‌اند. در زمینه خرید فرآورده‌های نفتی از ترکمنستان نیز فعال هستیم. در بخش گاز مایع نیز لازم می‌دانم از همکاری خوب ایران و ازبکستان یاد کنم که طی سالهای اخیر آغاز شده و روند صعودی گرفته است.

انرژی الکتریکی و خرید و انتقال برق

جمهوری اسلامی ایران و برخی از کشورهای منطقه از جمله ترکمنستان، تاجیکستان و قرقیزستان در منطقه آسیای مرکزی و جمهوری آذربایجان، ارمنستان و جمهوری خودمختار نخجوان در منطقه قفقاز همکاری‌های خوبی را در بخش انرژی برق آغاز کرده در حال حاضر خرید، انتقال و مبادله برق در جریان است و سرمایه‌گذاری‌های هنگفتی جهت ایجاد زیرساختهای لازم این بخش انجام شده و امید است طی ماههای آینده شبکه خطوط انتقال برق ایران به شبکه عمومی کشورهای مشترک المنافع و روسیه وصل و بازار مبادلات برق در منطقه را رونق دوچندان بخشد. در اینجا مایلیم برخی پروژه‌های همکاری جمهوری اسلامی ایران با کشورهای منطقه را جهت اطلاع حضار گرامی بیان نمایم.

با ترکمنستان در بخش انرژی الکتریکی نیز همکاری‌های خوبی داریم. از طریق ۳ خط بالکان‌آباد در ترکمنستان تا گنبد ایران، سرخس ترکمنستان تا سرخس ایران و مرو تا مشهد،

انرژی الکتریکی به ایران وارد می‌گردد. یادآوری می‌شود که این همکاری‌ها سال ۱۳۸۲ آغاز شده است و بزودی با تکمیل شبکه انتقال در گنبد، سرخس و مرو به حجم اسمی خواهد رسید. همکاری دو کشور در ساخت سد دوستی بر رودخانه هریرود با هدف استفاده از آب و توان الکتریکی آن از دیگر پروژه‌های همکاری دو کشور می‌باشد که امید است طی ماههای آینده افتتاح گردد.

این در حالی است که در کنار همکاری‌های دوجانبه و مبادلات انرژی الکتریکی از آذرماه ۱۳۸۲ و به موجب همکاری‌های سه جانبه جمهوری اسلامی ایران، ترکمنستان و ترکیه، ترانزیت برق ترکمنستان به ترکیه از طریق خاک جمهوری اسلامی ایران آغاز شده است و در حال حاضر سالانه ۳۰۰ میلیون کیلووات ساعت برق ترانزیت می‌گردد.

تاجیکستان با ظرفیت برق آبی ۱۱۴ هزار مگاواتی کشور دیگر منطقه است که خوشبختانه همکاری الکتریکی با آن آغاز شده است. این کشور به رغم این ظرفیت بزرگ برق آبی تاکنون به دلیل مشکلات اقتصادی و جنگ داخلی نتوانسته است از این ظرفیت خداداد بهره‌برداری و برای رفاه اقتصادی خود و تأمین نیازهای انرژی منطقه استفاده کند. در این زمینه نیز طی ماههای گذشته قرارداد مشارکت و سرمایه‌گذاری برای ساخت سد «سنگ توده» و خرید برق آن امضاء شده و روند تحولات آن حاکی از این است که این پروژه بتدریج به زمینه‌ای برای همکاری بین‌المللی کشورهای منطقه و روسیه تبدیل می‌شود.

قرقیزستان دیگر کشور پُر آب منطقه نیز از همکاری‌های الکتریکی دور نمانده و طی ماههای گذشته قراردادهای مختلف در زمینه مشارکت در ساخت نیروگاهها و خرید برق با آن امضاء شده و امید است با اجرای این قراردادها شاهد رونق اقتصادی و افزایش سطح رفاه ملتهای منطقه باشیم.

در اینجا لازم می‌دانم از یک مشکل و مانع مهم در توسعه همکاری‌های الکتریکی یعنی فقدان شبکه‌های مناسب انتقال و برخی اختلافات سیاسی میان کشورهای منطقه یاد کنم که از سرعت همکاری‌ها کاسته است. با این وجود، چشم‌انداز این همکاری‌ها روشن و میل و علاقه به گسترش این بخش در دولت‌های منطقه روبه افزایش است.

ظرفیت سازی: عامل برای ارتقای همکاری‌های منطقه‌ای

ایران برای ارتقای ظرفیت اقتصادی منطقه به تقویت زیرساخت‌های خود مبادرت کرده است. این اقدامات و زیرساخت‌ها نه تنها برای ایران بلکه برای همه کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز و خزر تسهیلات فراوانی فراهم کرده و همکاری‌های منطقه‌ای را عملاً فزونی می‌بخشد. این ظرفیت‌سازی‌ها در زمینه‌های حمل و نقل، ساخت تأسیسات بندری و طرح‌های انرژی شایان ذکر هستند. در بخش انرژی خزر این اقدامات را می‌توان در عملیاتی از قبیل اکتشاف، لرزه‌نگاری دو بُعدی و سه بُعدی، احداث سکوی حفاری نیمه شناور و ساخت نفتکشهای ۶۳ هزار تنی برشمرد.

ایران در بحث حمل و نقل نیز اتصال راه‌آهن ایران به کشورهای مشترک‌المنافع از طریق ساخت خط آهن بافق - بندرعباس و مشهد - سرخس - تجن را اجرا و عملیات نهایی مسیر بافق - مشهد را تدارک کرده است. همچنین جمهوری اسلامی ایران در زمینه کشتیرانی، توامان، به تقویت بندر و توسعه ناوگان دریایی در دریای خزر مبادرت کرده است. طوری که برای مثال فقط در سال گذشته ایران ۱۸٪ از سهم کشتیرانی خزر را بخود اختصاص داده است.

محیط زیست شکننده

وضعیت دریاچه آرال تجربه دردناک ولی عبرت‌آموزی برای همه کشورهای منطقه محسوب می‌شود. به همین دلیل محیط زیست خزر از دیگر مباحث واجد اولیویتی است که ایران با جدیت تمام آنرا پی می‌گیرد. خوشبختانه کنوانسیون محیط زیست در شهر تهران به امضای ۵ کشور ساحلی رسید و گام اول و بسیار مهم برای حفاظت از محیط زیست برداشته شد. هم‌اکنون به صورت هم‌زمان مراحل تصویب کنوانسیون در مجالس ملی کشورها طی می‌شود. مجلس ترکمنستان آن را به تصویب رسانده است. این کنوانسیون در کمیسیون تخصصی مجلس شورای اسلامی نیز تصویب شده و امیدواریم بزودی در صحن علنی مجلس به تصویب نهایی برسد. از سوی دیگر مذاکرات ۵ جانبه برای تدوین پروتکل‌های تخصصی آن در جریان است. امیدوارم کشورها عملاً به آنچه ملتزم شده‌اند، پایبند باشند. این امر خصوصاً برای ایرانیان - که واجد

زیباترین و سرسبزترین سواحل خزر است و پرجمعیت‌ترین ساحل نشینان را در خود جای داده و همه ساله بیشترین گردشگر را به خود اختصاص می‌دهد - واجد نهایت اهمیت است.

مخالفت با احداث خطوط لوله از بستر

دریای خزر وضعیت بسیار ویژه و منحصر به فردی دارد. خزر بزرگترین دریاچه جهان می‌باشد که واجد ذخایر زنده بی نظیری است، از جمله فسیل‌های زنده کره زمین یعنی ماهیان خاویاری را در خود پناه داده است. همچنین حیات و اشاعه بسیاری از ساحل نشینان به این دریا وابسته است. متأسفانه آلودگی دریا بیش از حد شده و نگرانی کشورهای ساحلی، سازمانهای بین‌المللی و سازمانهای غیردولتی را برانگیخته است. از سوی دیگر این دریا شدیداً زلزله خیز است. لذا احداث خطوط لوله نفت و گاز از بستر این دریا، قطعاً زیانهای جبران ناپذیری وارد خواهد ساخت. وضعیت دریاچه آرال و برخی موارد مشابه، تجربه‌های دردناکی برای انسانها ترسیم کرده از این رو پیشاپیش باید واقعه را علاج کنیم. بر همین اساس برخی از کشورها از جمله ایران با احداث خطوط لوله انتقال انرژی از بستر خزر شدیداً مخالف است. امیدواریم دیگران نیز مصالح بلندمدت و زیست محیطی منطقه را بر منافع کوتاهمدت ترجیح دهند.

همکاری‌های استانی

همکاری‌های استانی بین استانهای جمهوری اسلامی ایران و دیگر استانهای همجوار با ترکمنستان، جمهوری آذربایجان، ارمنستان، جمهوری خودمختار نخجوان و از طریق دریا با قزاقستان و روسیه از دیگر سیاستهایی است که ایران آن را به جدیت دنبال می‌کند و خوشبختانه به موفقیت‌هایی نیز رسیده است. هم اکنون نه تنها استانهای همجوار بلکه دانشگاهها، فدراسیون‌های ورزشی، خبرگزاری‌ها، اتاقهای بازرگانی، گروههای فرهنگی - هنری و حتی سازمانهای غیردولتی نیز علاوه بر مناسبات دولتی، همکاری‌های خوبی با هم دارند و به مناسبات خودساماندهی و سرعت بیشتری می‌بخشند.